

ادبیات جهان

فصل هفتم

ماه
روشنی اش را
در سراسر آسمان
می پراکند
و لکه‌های سیاهش را برای خود نگه می‌دارد.

تاگور، شاعر هندوستانی

پرنده آزادی

محمد در آغوش پدرش
 چونان پرنده‌ای بی‌مناک
 آشیان دارد،
 از بیم دوزخ آسمان.
 - آه ای پدر، پنهانم کن؛ پنهان
 بال‌های من در برابر این توفان
 ناتوان است، ناتوان
 در برابر این تیرگی
 و آنها که در بالا در پروازند.

محمد، فرشته‌بی‌پناهی است،
 نزدیک به تفنگ صیادی سنگدل،
 او در سایه خود تنهاست
 چهره‌اش روشن است، چونان خورشید

مهم‌ترین کار یک خواننده، به هنگام خواندن شعر، ترکیب لحن‌ها با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که آهنگ کلی شعر از آغاز تا پایان حفظ شود. در سروده زبیر، لحن‌های حماسی، عاطفی و توصیفی درهم آمیخته شده‌اند.

شعری برای «محمدالذوره»، نوجوان فلسطینی که در سال ۱۳۷۸ ه.ش (۲۰۰۰ میلادی) بر اثر هجوم بی‌رحمانه نیروهای اشغالگر اسرائیل در آغوش پدرش به شهادت رسید.

قلبش سرخ و روشن است، چونان سیب
صیادش می تواند به شکارش دیگر گونه بیندیشد؛
با خود بگوید:

«اکنون او را رها می کنم،
تا آنگاه که بتواند فلسطینش را

بی غلط تلفظ کند ...

و فردا چون سرکشی کند،
شکارش می کنم ...»

«محمد الذوره»

خونی است که از بعثت پیامبران

جوشیده است

پس ای محمد، صعود کن!

صعود کن تا سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى!

محمود درویش، شاعر فلسطینی





کودکان سنگ

دنیا را خیره کردند

با آنکه در دستانشان جز سنگ نبود

چونان مشعل‌ها درخشیدند

و چونان بشارت از راه رسیدند

ایستادگی کردند، خروشیدند و شهید شدند.

آه، ای لشکریان خیانت‌ها و مزدوری‌ها!

هر قدر هم که تاریخ درنگ کند

بزدوی، کودکان سنگ، ویران‌تان خواهند کرد!

ای دانش‌آموزان عتره!

به ما بیاموزید؛

که چگونه سنگ در دستان کودکان،

حماسه می‌آفریند؟

ای فرزندان عتره!

با تمام توانتان بتازید و





در راهتان استوار بمانید
در گسترهٔ نبردهاتان پیش بروید.
ای دوستان کوچک ما، سلام!
برای چیدن زیتون مهتا باشید!
در لحظه‌هایی که درختان زیتون، بارور می‌شوند
و وطنی زاده می‌شود در چشم‌ها
و افقی دیگر نمایان،
چهرهٔ قدس، در خشان و
رخسارهٔ فلسطین پرفروغ و تابان می‌شود.

نزار قَبّانی، ترجمه: عبدالرضا رضایی نیا، با اندکی تغییر و کاهش

خود ارزیابی

۱. در بند اول شعر پرنده آزادی، تشبیه‌ها را بیابید.
۲. منظور شاعر از «کودکان سنگ» چیست؟
۳. نوجوانان فلسطینی برای آزادی سرزمین خود، چه کارهایی می‌کنند؟

دانش زبانی

وابسته اسم (۴) صفت مبهم

به جمله‌های زیر توجه کنید:

- پدر نیما کتاب را از فلان مغازه خرید.
- زینب، چند مجله از دوستش گرفت.

در گروه‌های اسمی «فلان مغازه» و «چند مجله» دو وابسته پیشین «فلان» و «چند» دیده می‌شود؛ این واژگان، «صفت مبهم» نامیده می‌شوند؛ زیرا نوع، چگونگی، شمار و مقدار اسم را به‌طور نامعین نشان می‌دهند. صفت مبهم، پیش از اسم (هسته) می‌آید و وابسته پیشین اسم محسوب می‌شود.

گفت و گو

۱. درباره «ادبیات پایداری» تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس مطرح کنید.
۲. با راهنمایی معلم خود، درباره نماد سرزمین فلسطین تحقیق کنید و حاصل آن را در کلاس ارائه دهید.

فعالیت‌های نوشتاری

۱. پیشوند «ب» را به ابتدای فعل‌های زیر بیفزایید و شکل تغییر یافته آنها را بنویسید.

■ آمد ■ فروخته است ■ افکنده بودند

۲. در هر یک از جمله‌های زیر، گروه‌های اسمی را بیابید و هسته، وابسته‌ها و نوع هر یک را مشخص کنید.

■ هر سخن ارزشمند را پاس بدار.

■ هر روز، یک شعر زیبا بخوان.

■ دانش‌آموزان، چند درخت کاشتند.

۳. درک و دریافت خود را از این بخش شعر بنویسید.

«وطنی زاده می‌شود در چشم‌ها

و اُفقِ دیگر، نمایان ...»



هنگام افزودن پیشوند «ب» به فعل‌هایی که با همزه (ء) شروع می‌شوند،

املای کلمه تغییر می‌کند؛ و «ی» جایگزین همزه می‌شود؛

مانند: اندیشد ← بیندیشد

افتاد ← بیفتاد

انداخت ← بینداخت



درس هفدهم

راه خوشبختی

«شکسپیر» می‌گوید: «روزگار دریایی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن به سوی ساحل مقصود می‌رود. این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد است. اگر امروز آرام باشد، مسلماً فردا توفانی خواهد شد؛ بنابراین وقتی آرام است، فرصت را غنیمت بشمارید. بسا اشخاص که در نتیجه غفلت از گذر عمر استفاده نکردند و به اعماق این دریا فرو رفتند.»

«گذشته» رفته و «آینده» نیامده است؛ بنابراین شما جز «حال» چیزی ندارید. فقط امروز در اختیار شماست. برخیزید و برای کار آماده باشید و از هیچ چیز بیم مدارید؛ تاب و تحمل داشته باشید. همیشه در کارها چنان باشید که گویا فردایی نخواهد بود. کاری را که امروز شروع می‌کنید، قسمتی از آن را به پایان می‌رسانید ولی اگر برای فردا بگذارید، ممکن است اصلاً فردا را نبینید.

این گفتار را در خاطر داشته باشید: «ای کسی که دوره نوجوانی را می‌گذرانی و از فرط غرور گمان می‌کنی روزگار درازی در پیش داری، حساب کار خود را داشته باش که روزگار چون باد و ابر، ناپایدار و گذراست. عمر خود را تلف مکن. در وقت خویش صرفه جویی کن. قدر امروز را بدان و کار امروز را به فردا می‌فکن.»

شما فقط امروز را دارید؛ اگر مسرور هستید، از برکات آن استفاده کنید و اگر غمگین هستید، با صبر و تحمل و توکل به خدا و امید به فردایی روشن بار غم را به دوش بکشید. اهمیت زندگی به شمار روزها و شب‌ها نیست، بلکه مربوط به اعمال و افعال ماست؛ کسی که اوقات خود را به کارهای ناشایسته می‌گذراند، چنان است که زندگانی خویش را تلف کرده باشد.

لازم نیست در کارها عجول باشید؛ یعنی نباید بدون تفکر و تأمل به کاری اقدام کنید ولی همین که تصمیم گرفتید کاری را انجام دهید، بلافاصله شروع کنید و تعلل روا ندارید؛ کار امروز را به فردا می‌فکنید که جز پشیمانی سودی ندارد. باید برنامه خود را چنان مرتب کنیم که در هر ساعتی کار معینی داشته باشیم و به انجام آن کار پردازیم و گرنه مقدار زیادی وقت ما پیموده تلف می‌شود.

نشاط و شتاب و اضطراب از ویژگی‌های نوجوانان و جوانان است؛ زیرا هنوز با زندگی چنان که باید آشنا نشده‌اند و از سرد و گرم روزگار خبری ندارند. اگر کسی آنها

را در راه زندگی راهنمایی نکند، ممکن است از راه راست منحرف شوند.

برعکس، اگر عقل و متانت را شعار خود کنند و پیران سال خورده را که عمر درازتر و تجربه بیشتر دارند، در این راه پرخوف و خطر راهبر خود قرار دهند، زندگی را به راحت و آسایش خواهند گذرانید و ممکن است در ایام پیری بتوانند برای دیگران کارهای مفیدی انجام دهند.

کارهایی که ما می‌کنیم، فقط مربوط به خودمان نیست؛ بلکه به آیندگان نیز ارتباط دارد. به این جهت اگر در انجام وظایف خود تعلل کنیم، حق آنها را پایمال کرده ایم. وقت ما در سلسله کائنات جای مخصوص دارد و باید آن را برای کارهای مفید صرف کنیم و گرنه نظام آفرینش را به هم زده ایم و خطای بزرگی مرتکب شده ایم.

این یکی از عادات ماست که هرچه را داریم، پاس نمی‌داریم و همین که از دست رفت، متوجه خطای خود می‌شویم. انگشت ندامت به دندان می‌گزیم و سودی نمی‌بریم. بنابراین، همیشه باید به خاطر داشته باشیم که وقت، عزیز و گران‌بهاست. از تلف کردن آن جز حسرت و ندامت ثمری نخواهیم برد.

روزهایی پس از دیگری، از پی هم می‌گذرند و همین که سپری شدند، باز آوردنشان محال است. از گذشته درس بگیریم؛ حال را آگاهانه بگذرانیم و به آینده امیدوار باشیم.

در جست‌وجوی خوشبختی، با اندکی تصرف

خودارزیابی

۱. شکسپیر، روزگار را به چه چیزی تشبیه کرده است؟

۲. این بیت حافظ با کدام قسمت درس، ارتباط دارد؟

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند جوانان سعادت‌مند پند پیر دانا را

۳. به نظر شما، راه رسیدن به خوشبختی چیست؟

۴.

دانش ادبی

ترجمه

به این جمله‌ها توجه کنید:

تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ (امام صادق علیه السلام)

نسبت به کسی که از او علم می‌آموزید، فروتنی کنید.

همان‌گونه که می‌بینید، در ترجمه جمله عربی به فارسی، فعل در آخر جمله ترجمه

شده آمده است. اکنون به این جمله‌ها توجه کنید:

I like my teacher.

من معلم را دوست دارم.

در ترجمه جمله انگلیسی، فعل جمله ترجمه شده، در کجا قرار گرفته است؟

جای اجزای جمله در زبان‌های مختلف یکسان نیست. مترجمان هنگام ترجمه به این

نکته مهم توجه می‌کنند.

گفت‌وگو

۱. درباره راز موفقیت یکی از بزرگان زیر، در کلاس گفت‌وگو کنید.

فردوسی، ادیسون، ابوعلی سینا

۲. برای داشتن هفته‌ای موفق، چگونه برنامه‌ریزی می‌کنید؟

۳. یکی از دعاهایی را که در قنوت می‌خوانید، ترجمه کنید و بگویید چه تغییری در جایگاه

فعل آن روی داده است.

فعالیت‌های نوشتاری

۱. در متن درس، واژه‌هایی را که نشانه تنوین دارند، بیابید و بنویسید.
۲. در هر یک از جمله‌های زیر، وابسته‌های اسم را بیابید و نوع هر یک را مشخص کنید.
 - (الف) این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد است.
 - (ب) به آسمان پر ستاره بنگر، تا ببینی چه خلقت شگفت‌انگیزی است.
 - (پ) از هیچ چیز، بیم مدارید، تاب و تحمل سختی‌ها را داشته باشید.
۳. جدول زیر را کامل کنید.

	عقل	برکت	فاصله			عمل	مفرد
وظایف				اوقات	افعال	اعمال	جمع

۴. جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

■ رأسُ الايمانِ الاحسانُ إلى الناسِ

- I am a student. I live in
- I like my books and read them every day.



«تنوین»، یکی از نشانه‌های خطی زبان است که با صدای «ن» ساکن شنیده می‌شود. باید به شکل درست این نشانه، توجه داشت؛ مانند «حتماً، تقریباً، رسماً، مسلماً». نوشتن این‌گونه کلمات، با حرف «ن» (حتمن، تقریبین، رسمن، مسلمن) نادرست است.



روان‌خوانی

آن سوی پنجره

در بیمارستانی، دو مرد بیمار در یک اتاق بستری بودند. یکی از بیماران اجازه داشت که هر روز بعدازظهر یک ساعت روی تختش بنشیند. تخت او در کنار تنها پنجرهٔ اتاق بود اما بیمار دیگر مجبور بود هیچ تکانی نخورد و همیشه پشت به هم‌اتاقی‌اش روی تخت بخوابد. آنها ساعت‌ها با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند؛ از خاطرات خانواده، خانه، سربازی یا تعطیلاتشان با هم حرف می‌زدند.

هر روز بعد از ظهر، بیماری که تختش کنار پنجره بود، می نشست و تمام چیزهایی را که بیرون از پنجره می دید، با شور و احساس و بیانی صمیمی برای هم اتاقی اش توصیف می کرد. بیمار دیگر در مدت این یک ساعت، با شنیدن حال و هوای دنیای بیرون، جانی تازه می گرفت. این پنجره، رو به یک بوستان بود که دریاچه زیبایی داشت. مرغابی ها و قوها در دریاچه شنا می کردند و کودکان با قایق های تفریحی شان در آب سرگرم بودند. درختان کهن، به منظره بیرون، زیبایی خاصی بخشیده بودند و تصویری زیبا از شهر در افق دوردست دیده می شد. همان طور که مرد کنار پنجره این جزئیات را توصیف می کرد، هم اتاقی اش چشمانش را می بست و در ذهن خود به تماشای زیبایی های آن مناظر دل انگیز می پرداخت.

روزها و هفته ها این چنین سپری شد؛ اما صبح یک روز، هنگامی که پرستار برای مراقبت وارد اتاق آنها شد، ناگهان منظره ای شگفت را دید! حادثه برایش سنگین بود و پذیرش آن دشوار. آری، مرد کنار پنجره آن چنان به فضای بیرون دل باخته بود که مرغ وحش به هوای آن سوی پنجره پرکشیده و رفته بود!

مرد دیگر از پرستار خواهش کرد که تختش را به کنار پنجره منتقل کند. پرستار این کار را با رضایت انجام داد و پس از اطمینان از راحتی مرد، اتاق را ترک کرد. آن مرد به آرامی و با درد بسیار، خود را به سمت پنجره کشاند تا اولین نگاهش را به دنیای زیبای بیرون از پنجره ببیند. بالاخره زمانی فرا رسید که او می توانست این دنیا را با چشمان خود ببیند.

در عین ناباوری، او با یک دیوار مواجه شد!

مرد، پرستار را صدا زد و با حیرت پرسید چه چیزی هم اتاقی اش را وادار می کرده است که چنین مناظر دل انگیزی را هر روز برای او توصیف کند؟ پرستار پاسخ داد: «شاید او می خواست با این کارش به تو قوت قلب بدهد و امید به زندگی را در دلت زنده نگه دارد. آن مرد اصلاً نابینا بود و حتی نمی توانست دیوار را ببیند.»

«هفته داستان کوتاه کوتاه»، با اندکی تغییر

فرستی برای اندیشیدن

۱. درباره ارتباط محتوای این داستان، با مصراع «تا شقایق هست، زندگی باید کرد»، توضیح دهید.
۲. چگونه می توان با وجود مشکلات خود، به دیگران امید به زندگی و قوت قلب بخشید؟



نیایش

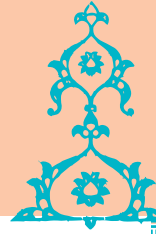
الهی مرامحرم رازکن

ما بنا به سوی خویش راحی
رحمی بنا که جاگیرم به کویت
رفیق لطف بی اندازه ام کن
که از غفلت مانند در سرم خواب
شفیع آخرت، خیرالبشر کن

الهی جانب من کن نگاه
نگاهی کن که رو آرم به سویت
به ذکر خود بلند آوازه ام کن
پیشان از وضو برویم آن آب
به چشم مرحمت سویم نظر کن

وحشی بافقی

واژه نامه و اعلام



می‌شود که از پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام روایت شده باشد.

إِخْلَاص: عقیده پاک داشتن، پاکی نیت
أَرَادَت: دوستی از روی اعتقاد و ایمان، میل
أَرشَاد كَرْدَن: راهنمایی، به راه راست
راهنمایی کردن

أَز پِي كَسِي رَفْتَن: به دنبال کسی رفتن، پیروی

أَسْتَبْدَاد: خودرأیی، خودسری

أَسْتَثْنَا: جدا کردن

أَسْتَعْدَاد: آمادگی، توانایی

أَسْتَعْمَار: آبادانی خواستن، این واژه در مفهوم سیاسی به معنی تسلط کشوری قدرتمند بر کشوری ضعیف به قصد استفاده از منابع طبیعی و ثروت کشور ضعیف است.

أَسْتَعْمَال: به کار بردن، معمول داشتن، استفاده

أَسْتَكْبَار: کبر ورزیدن، تکبر نمودن، در مفهوم سیاسی به کشور یا حکومتی گفته می‌شود که از روی غرور و خود برتری بینی و گردن کشی در برابر ملت‌های دیگر به زورگویی می‌پردازد.

أَسْرَار: چ سز، رازها

أُسْطُرْلَاب: ابزاری که دانشمندان علم ستاره‌شناسی در روزگار قدیم برای تعیین وضعیت ستارگان از آن استفاده می‌کردند.

أَصْطِلَاح: موافق شدن گروهی برای به کار بردن یک واژه، واژه‌های خاص که در هر علم

واژه‌نامه

۱. آ

أَبْلَه: نوعی بیماری واگیر که به صورت تاول روی پوست بدن ظاهر می‌شود.

أَخْر: دیگر، دیگری، بعد

أَخْر: پایان

أَدَاب: چ ادب، رسم‌ها، روش‌های پسندیده، عادت‌ها

أَرْمَان: آرزو، امید

أَز: طمع، حرص

أَزَادگی: جوانمردی، آزادبودن

أَزْرَم: شرم، حیا

أَلَايش: آلودگی

أَوِيْز: جنگ و پیکار (در درس آداب و فرهنگ)

أَنْمَه: چ امام، پیشوایان

أَحَادِيث: چ حدیث، سخن‌ها، روایت‌ها، در علوم دینی حدیث به خبر یا سخنی گفته

معانی ویژه‌ای دارند.

اصلاح کردن: درست کردن، بهتر ساختن

اصول: ج اصل، ریشه‌ها، بنیادها

اطلس: نوعی پارچهٔ گران‌بها، پارچهٔ ابریشم

اعتراض: ایراد گرفتن، نپذیرفتن

اعماق: ج عمق، ته، ژرف

اعمال: به کار بردن، کار بستن

أغراض: ج غرض، خواست‌ها، نشانه‌ها،

اهداف

افعال: ج فعل، کارها

اقتباس: گرفتن، اخذ کردن

التهاب: برافروختگی، زبانه کشیدن

القاب: ج لقب، کلماتی که برای بزرگداشت

پیش از اسم کسی آورند.

الهیّت: خدایی

امیر: حاکم، فرمانده

اندر: در

انیس: همدم، انس گیرنده

اهتزاز: جنبیدن، تکان خوردن

ایثار: دیگری را بر خود ترجیح دادن

ایده‌آل: کمال مطلوب، نهایت آرزو

اینترنت: شبکهٔ رایانه‌ای فراگیر

ب

بارگه: مخفف بارگاه، سرا پرده، کاخ شاهی

بازیافتن: دوباره چیزی را پیدا کردن

بالین: بالش، آن چه به هنگام خواب زیر

سر نهند.

بحر: دریا

بُحْران: آشفتگی، آشوب

بخت: بهره، قسمت، اقبال

بِخرد: دانا، عاقل

بدگوهری: بد ذاتی و بد سرشت بودن

بَر: پهلو، سینه

بَر: بیابان، خشکی

بَر: میوه، ثمر

برکات: ج برکت، بسیاری نعمت، خیر و نیکی

بسیج: آمادگی

بسنده: کافی، بس

بشارت: مژده دادن

بَصَر: بینایی، بینش، چشم

بصیر: بینا، دانا

بصیرت: دانایی، روشن بینی، آگاهی

بعثت: برانگیخته شدن پیامبر ﷺ از جانب

خدا برای هدایت مردم.

بُغض: گرفتگی گلو از غصه، حالت گرفتگی

روخی که در گفتار و چهره نمایان می‌شود.

بلند آوازه: معروف، مشهور

بُن جان: صمیم دل، ته دل

بوریا: حصیری که از نی می‌سازند.

بنی آدم: فرزندان آدم ﷺ، انسان

به اتفاقاً:

بُهت: متحیر شدن، شگفتی

بیرون از حساب: بی اندازه، بی شمار

بی محل: نامناسب، ناشایست

پ

پاس داشتن: نگاه داشتن، مراقبت کردن،

احترام گزاردن

پختگی: با تجربگی، منانت

پُر دل: شجاع

پرستار: فرمانبردار، مطیع

پشسته: توده، انبوه

پَلشتی: آلودگی، ناپاکی

پندار: وهم، گمان، فکر

پوپک: هُدْهُد، شانِه به سر

پوزش پذیر: پذیرندهٔ پوزش

پوکِه: غلاف فشنگ بی سرب و باروت

پویدن: رفتن (نه با شتاب و نه به آرامی)

پیراسته: آراسته، پاکیزه

پیک: فرستاده، نامه‌رسان، قاصد

ت

تاب: توانایی، تحمل

تأکید: استواری در کار، پافشاری

تأمل کردن: اندیشیدن، درنگ کردن

تبلیغ: رساندن پیام یا خبر یا مطلبی به مردم

تحریم: منع کردن، جلوگیری و محدود کردن

چیزی

تذکر: به یاد آوردن، پند گرفتن، یادآوری

تراکم: انبوهی

ترسیم: رسم کردن، نگاشتن

ترویج: رواج دادن، روا کردن

تشتت: پراکندگی، تفاوت و اختلاف

تعالیم: جِ تعلیم، آموزش‌ها

تعبیه: قرار دادن، جاسازی کردن

تعصب: جانب‌داری کردن، حمایت کردن

تعَلل: بهانه آوردن، کوتاهی کردن

تعهد: پیمان بستن، به عهده گرفتن

تَف: گرما و حرارت

تکریم: گرامی داشتن، بزرگ شمردن

تلخیص: خلاصه کردن، چکیده، کوتاه کردن

تمثیل: جِ تمثال، شکل‌ها و تصویرها

تن پروری: خوش گذرانی، تنبلی

توصیف کردن: صفات چیزی را بیان کردن،

وصف کردن.

توطئه: نقشه کشیدن برای نابودی کسی یا

چیزی، ساخت و پاخت کردن

توفنده: پرخروش، خروشان، غوغاکننده

توکل: کار خود را به خدا واگذار کردن

تهی مغز: کم‌خرد، نادان

تیره‌رای: بداندیش

ث

ثنا: ستایش، شکر

ج

جَنَته: بدن، پیکر

جدال: نبرد، پیکار

جَدَبه: کشش، گیرایی

جزر: پایین رفتن آب دریا

جلوه: ظاهر، پیدایی

جمال: زیبایی، نیکویی

جولاهه: بانده، نساج

جَبَب: گریبان، یقه

چ

چاپار: پیک، نامه‌بر، قاصد

چاشت: یک قسمت از چهار قسمت روز که در آن چیزی بخورند.

چُر تکه: وسیله‌ای که در روزگار گذشته برای شمارش اعداد از آن استفاده می‌شد.

چُنو: چون او، مانند او

ح

حَب الوطن: میهن دوستی، عشق به سرزمین

حج: زیارت کعبه در وقت مقرر با اعمال مخصوص

حَدَقَه: مردمک چشم، کاسه چشم

حرص: آزمندی، طمع، ضد قناعت

حُرمت: احترام، عزت

حَریم: مکانی که دفاع از آن واجب باشد، قلمرو، محدوده

حسرت: افسوس، دریغ

حصار: دیوار

حفر کردن: کندن، سوراخ کردن

حکَم: چ حکمت، اندرزها، پندها

حکما: چ حکیم، دانشمندان

حکمت: دانش و معرفت

حلاوت: شیرینی

حماسه: دلیری، شجاعت

حیات: زندگی

حیلت: فریب و نیرنگ

خ

خارِبُن: بوته خار

خاستگاه: مبدأ، محلّ پیدایش

خاکدان: محلّ ریختن خاک روبه، در درس «قلم سحرآمیز» مقصود از این واژه، «جهان و دنیا» است.

خالص: ناب، بی آرایش

خامه: قلم

خیبر: آگاه، باخبر

خَجَل وار: خجالت‌زده، شرمگین

خَدو: آب دهان

خرسند: قانع، خشنود

خرف: کم عقل، تباهی خرد بر اثر زیادی سن

خَز: نوعی جانور مانند سمور که از پوست

آن لباس تهیه می‌کنند (خَز فروشان: بازار پوستین فروشان)

خَس: خاشاک، شخص پست و فرومایه

خشت: آجر، آجرخام

خُطبه: سخنرانی، نصیحت مردم

خَفقان: اضطراب، تپش دل، حالت خفگی و

سکوت، دل‌مردگی

خَلَف: فرزند، جانشین شایسته

خلل: آسیب، تباهی

خمپاره انداز: نوعی سلاح جنگی شبیه توپ

خوف: ترس، بیم

خَيْرُ الْبَشَرِ: بهترین بشر

خیره روی: سرکش، گستاخ

خیرگی: حیرت، سرگستگی

خیزش: انقلاب، نهضت

خیل: جمع، گروه، دسته

د

دام: جانور غیردرنده، حیوان اهلی

دانشور: صاحب دانش

دد: جانور درنده مانند شیر و پلنگ

دَدی: وحشی گری

درازنا: طول، درازا

در عین ناباوری: غیرقابل باور بودن، حالت

غیرقابل پذیرش

دِرَم: پول نقره

درون مایه: اصل هر چیز، محتوا

دربغ ورزیدن: کوتاهی کردن، مضایقه

کردن، خودداری کردن از انجام کاری

دستگیر: یاریگر، مددکار

دعوی کردن: ادعا کردن

دَعْل: فریبکاری، مکر و حیله، ناراستی

دفتر: کتاب، مجموعه شعر و نوشته، دیوان

دفع: راندن، دور کردن

دل آویز: دلخواه، مطلوب

دلبند: دوست داشتنی، محبوب

دَلق: نوعی جامه پشمین که فقیران می پوشند.

دودمان: خاندان، نژاد، تبار

دولت: نیک بختی، اقبال

دَهر: روزگار، زمانه

دیار: جِ دار، شهرها، خانه‌ها، سرزمین

ذ

ذات: حقیقت هر چیز، گوهر

ذکاوت: تیز هوشی

ر

رایحه: بو، بوی خوش

رُجحان: برتری، فزونی

رزق: روزی، غذای روزانه، روزی: خوراک

رژیم بعث: حکومتی که صدام حسین،

رییس جمهور معدوم عراق، ریاست آن را

به عهده داشت.

رسا: بلند، رسنده، کلام شیوا

رشید: خوش قد و قامت، دلیر

رضا: خرسندی، رضایت، راضی، خشنود

رفتگان: در گذشتگان

رموز: جِ رمز، رازها، اسرار

روایات: جِ روایت، خبرها

روایت: بیان کردن مطلب یا خبر

روشن رای: روشن فکر

رویین تن: آن که بدنی نیرومند دارد و ضربه

اسلحه بر او اثر ندارد.

ریا: دورویی، نفاق

ز

زایا: زاینده، آفریننده، خلاق

زمزمه: نغمه، سرود خواندن زیر لب

ژ

ژرفا: عمق، گودی

س

سبا: نام سرزمینی در عربستان قدیم که ملکه آن به نام بلقیس مشهور است.

سَبَل: چ سَبیل، راه‌ها، روش‌ها

سپهر: آسمان، فلک، چرخ

سُتوار: مخفّف استوار، پایدار، ثابت

سحراُمیز: آمیخته به جادو، فریبنده

سَخْتَه: سنجیده، وزن شده

سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى: درختی در آسمان هفتم که در سوره نجم (قرآن) هم از آن، یاد شده است.

سده: قرن، دوره صد ساله

سریع الانتقال: تیزهوش، کسی که زود یاد می‌گیرد.

سُفْتَن: سوراخ کردن

سوده: مالیده شده، تماس یافته

سیدی: سید + ی = سرور من، آقای من

سبیم: نقره، پول کم ارزش

ش

شَط: رود بزرگ

شعار: علامت، نشانه، فریادهای مردم که در آن خواسته‌های خود را بیان می‌کنند.

شَفیع: شفاعت کننده، خواهشگر

شقاوت: بدبختی، سخت دلی

شکوه: شکایت، گله

شگرف: نیکو، زیبا

شمایل: چهره، شکل، تصویر بزرگان دینی

شیوع: فاش شدن، آشکار شدن، همه‌گیر شدن

ص

صاحبدل: دارای احساس قوی، عارف، فرد دل آگاه

صانع: آفریننده، خدای تعالی

صبا: بادی خنک که از جانب شمال شرقی می‌وزد.

صَحْن: میان خانه، عرصه، فضایی برای اجرا و نمایش

صدراعظم: نخست‌وزیر

صدقه: چیزی که طبق دستور دین به نیازمند و درویش دهند.

صفا: پاکی، پاک‌دلی، پاکیزگی، خلوص

صور تگر: نقاش، پدیدآورنده نقش

ض

ضرورت: نیاز، حاجت

ط

طایر: پرنده، پروازکننده

طبع: سرشت، طبیعت

طراوت: شادابی، تازگی

طَرَب: شادی، نشاط

طعن: سرزنش، نکوهش، عیب

طفولیت: کودکی، خردسالی

طَلاب: چ طالب، جویندگان، دانشجویان
علوم دینی

طلسم: شکل و نوشته ای عجیب برای
به وجود آوردن کارهای غریب، کارها و اعمال
شگفت و عجیب که جنبه جادویی داشته باشند.

ظ

ظفرمند: پیروز، فاتح

ع

عام المنفعه: آن چه سودش عمومی و برای
همه مردم باشد.

عترت: خاندان پیامبر اسلام ﷺ
عَجول: شتابان، آن که کارها را با عجله
انجام دهد.

عرصه: میدان، قلمرو

عرضه کردن: نشان دادن، ارائه دادن

عزت: سرافرازی، ارجمندی

عُصاره: چکیده، فشرده

عصیان: سرکشی، ستم، نافرمانی

عطا: بخشش، انعام

عَطش: تشنگی

عَطشان: تشنه، دارای عطش

عفو: بخشش

عناوین: چ عنوان، نشانه ها

عنایت: احسان، توجه نمودن

عوارض: چ عارضه، مالیات

عواطف: چ عاطفه، محبت ها، مهرها

عیان: آشکار، ظاهر

غ

غاصب: گیرنده چیزی از روی زور و ظلم،
غصب کننده، به ستم ستاننده

غرس: کاشتن درخت، نشاندن درخت

غرقه: در آب فرو رفته، غرق شده

غفلت: فراموش کردن، بی خبری

غلبه: پیروزی، چیره شدن

غُلغل: جوشیدن

غنی: بی نیاز

غنیمت: مناسب دانستن، بهره بردن

غیرت: جوانمردی و شرف، تعصب

ف

فام: رنگ، پسوندی است که بیانگر رنگ
است.

فتوا: رأی عالم دینی در حکم شرعی

فراز: بلندی، بالا

فرازنده: افزاینده، بلند کننده، برپاکننده

فراغت: آسایش، استراحت

فراق: دوری، جدایی، هجران

فراط: زیاده‌روی، در گذشتن از حد، شدت

فروتن: متواضع، افتاده

فروغ: روشنایی، نور

فرهنگ: دانش، تربیت، مجموعه آداب و سنن

دینی و ملی یک سرزمین.

فرهیخته: ادب آموخته، علم آموخته

فضایل: ج فضیلت، خوبی‌ها، برتری‌ها

فضیلت: برتری، ارزش‌های اخلاقی

فغان: فریاد، زاری، ناله

فقیه: دانشمند، آن که به احکام شرع عالم

است.

فلک: چرخ، آسمان

فلان: واژه‌ای است برای اشاره به شخص

غیرمعلوم، بهمان

فلسفه: علم به حقایق موجودات به اندازه

توانایی بشر

فی المجلس: در مجلس، فوراً، همان دم

ک

خوش حال کردن

قیام: به پا خاستن، برخاستن، خیزش

کاریز: قنات، آبراهه زیرزمینی

کاشف: آشکار کننده، کشف کننده

کام: قسمتی از دهان، دهان

کاهلی: سستی، تنبلی

کرامت: بزرگواری، جوانمردی

کردار: رفتار، عمل

کنام: لانه، آشیانه، محل زندگی دد و دام

کنه: پایان و حقیقت چیزی، ذات

کینه‌جو: ستیزه‌گر

گ

گُرد: پهلوان، نیرومند

گُل کامکار: نوعی گل بسیار سرخ و زیبا

گو: گودال، زمین پست

گوا: گواه، دلیل، شاهد

گوهر: مروارید، اصل

گویش: گفتار، زبان‌های محلی که در کنار

زبان رسمی به کار می‌روند.

ل

لُغوی: وابسته به لغت، نسبت داده شده به لغت

لهجه: شکلی از زبان و گفتار که با نشانه‌هایی

از زبان محلی تکلم شود.

ق

قلمرو: پهنه، عرصه، گستره

قند در دل کسی آب کردن: کسی را

مایه: اصل هر چیز، اساس

مأوا: پناهگاه، جای امن، جایگاه

ماورا: پشت سر، آن سوی، درپی، آنچه در پشت چیزی باشد.

ماهیت: حقیقت، ذات، چیستی

مبادرت: اقدام کردن به کاری

مبیین: آشکارکننده، بیانگر

متانت: وقار، استوار بودن

متواضع: فروتن، افتاده

متین: استوار، محکم

متعالی: بلند، برتر، والا

مجمع الجزایر: مجموعه‌ای از چند جزیره که در کنار یکدیگر قرار دارند.

مُحاربه: با یکدیگر جنگیدن

مُحال: ناشدنی، غیرممکن

محتوا: حاوی، شامل، درون مایه

مَحْشَر: جای گرد آمدن مردم در روز قیامت

محصور: گرداگرد چیزی فراگرفته شده، دیوار شده

محقق: تحقیق کننده، کسی که سخن خود را با دلیل ثابت می کند.

مِحنت: رنج، آزمایش، سختی

مَحْو: نابود کردن، نیست شدن

محوطه: جایی که گرداگرد آن را دیواری

احاطه کرده باشد.

مخاطب: کسی که با او سخن گفته می شود.

مخوف: ترسناک، بیمناک

مَد: بالا آمدن آب دریا

مُرْتَضی: پسندیده، برگزیده، خشنود، یکی از

لقب های حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ

مرجع تقلید: مجتهدی که در مسائل دینی از او تقلید کنند.

مرحمت: مهربانی، لطف

مرشد: هدایت کننده، راهنما

مستضعف: ضعیف شمرده شده

مستمع: گوش دهنده، شنونده

مستور: پوشیده شده، پنهان

مسرور: شاد، خوشحال

مُسْلِم: قطعی

مسلماً: قطعاً، یقیناً، بی گمان

مشمول: حاوی، دربرگیرنده

مصلحت: خیراندیشی

مضامین: جِ مضمون، مفهوم ها، معناها

مضيقه: تنگنا، سخت گیری کردن

مَطْلَع: محلّ طلوع، آغاز هر چیز

معارف: جِ معرف، دانش ها، معرفت ها

معاهده: پیمان، عهد

معرّف: اعتراف کننده، اقرار کننده

معدوم: نیست شده، نابود گشته، اعدام شده

معرفت: شناخت، دانش

معصوم: پاک و بی گناه

معیار: اندازه، وسیله ای که با آن چیزی را بسنجند.

مقاصد: ج مقصد، مرادها، هدف‌ها

مکار: بسیارفریبنده، بسیار حيله‌گر

مکث: درنگ کردن

ملال: اندوه، غم

مُلک: تسلط، پادشاهی، مملکت و کشور

مَلِک: خداوندا، ای مَلِک، پادشاه

مناره: محل نور، گلدسته‌های مساجد و

بناهای قدیمی که بر بالای آن اذان می‌گویند.

مُنْتَهَا (مُنْتَهَى): به پایان رساننده، آخر

مُنْجی: نجات‌دهنده

منحرف: کج شده از راه راست

منحصر: محدود

مُنْزَه: پاک، بی‌عیب

مَنْش: خوی، عادت

منشأ: محل پیدایش، اصل

منطقی: آنچه از روی منطق و تعقل باشد.

مَوْج: خروشان، پرموج و متلاطم

مواجه: روبه‌رو شدن

موضع: جایگاه، محل

مؤثر: اثرکننده، اثرگذار

مهارت: ماهر بودن در کاری، استادی

ن

نثار: پیش کش کردن، ارزانی داشتن

ندامت: پشیمانی، تأسف

نُدرت: کمی، کمیابی، به‌ندرت: کم

نرم‌گو: کسی که لطیف و ملایم سخن گوید.

نَزند: اندوهگین، غمناک، سرد و بی‌روح

نستوه: خستگی‌ناپذیر

نشیب: سرازیری

نفیس: گران‌بها، قیمتی

نگارین: نقّاشی شده، پر نقش و نگار

نوازنده: آن که نوازش و مهربانی کند.

نیت: قصد، آهنگ، عزم

نیرنگ: سحر، جادو

و

واسطه: میانجی

واکسینه: واکسن‌زده شده، مایه زده شده

والا: ارجمند، باشکوه

والایی: ارجمندی

وحی: پیام خدا به پیامبر ﷺ

ولایت: رهبری دینی، سرپرستی

ه

هان: آگاه باش

های و هوی: شور و غوغا، بانگ و فریاد

هجران: دوری، جدایی، فراق

هُدُهد: شانه به سر، مرغ سلیمان ؑ

هرآینه: به یقین، مطمئناً، بی‌گمان

هلله: فریاد شادی

همهمه: آشوب و غوغا، سرو صدا

هنجار: روش، رفتار، قاعده، معیار

هوا: میل و آرزو، خواسته و خواهش



اعلام: اشخاص

۱۱

آویوری: (۱۹۱۳-۱۸۳۴ م) نویسنده معروف انگلیسی که در توصیف طبیعت و احساسات انسانی بسیار چیره دست بود.

ابوترابی، سید علی اکبر: (۱۳۷۹-۱۳۱۸ خورشیدی) حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی، در شهر قم دیده به جهان گشود؛ پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی در زادگاهش، به تحصیل علوم دینی در شهر مشهد روی آورد. در تظاهرات مردم قم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حضوری فعال داشت و در پی تبعید حضرت امام خمینی (ره) وی نیز به نجف رفت و سرگرم تحصیل شد و پس از شش سال به ایران بازگشت.

پیش از انقلاب، وی بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و به زندان رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت‌های مهمی را عهده‌دار شد و هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی

در کنار سردار شهید دکتر مصطفی چمران در جنگ‌های نامنظم به سازماندهی نیروهای مردمی می‌پرداخت و سرانجام در ۲۶ آذرماه ۱۳۵۹ در یکی از مأموریت‌ها به اسارت ارتش متجاوز صدام درآمد.

وی پس از ده سال اسارت در سال ۱۳۶۹ به میهن بازگشت و مسئولیت‌های ارزشمندی همچون نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره‌های چهارم و پنجم و نمایندگی ولی فقیه در امور آزادگان را پذیرا شد.

این آزاده گرامی، سرانجام در دوازدهم خرداد ۱۳۷۹ درحالی که همراه پدرش، رهسپار شهر مشهد مقدس بود، بر اثر تصادف، جان به جان آفرین سپرد.

ادیب الممالک فراهانی: (درگذشت ۱۳۳۵ هـ.ق) میرزا محمدصادق امیری، معروف به ادیب الممالک، شاعر و روزنامه‌نگار عصر مشروطه بود. وی در سال ۱۲۷۷ هـ.ق، در فراهان اراک زاده شد. پس از مهارت و شهرت در شاعری، مظفرالدین شاه به او لقب ادیب الممالک داد.

ادیسون: (۱۹۳۱-۱۸۴۷ میلادی) فیزیکدان امریکایی که اختراعات زیادی از جمله لامپ برق به نام وی ثبت شده است.

اسدآبادی، سید جمال: مردی آزادی خواه و دارای افکار و عقاید فلسفی، سیاسی، اجتماعی و طرفدار استقرار آزادی در کشورهای شرقی و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل

اتحادیه دولت‌های اسلامی بود. وی همه عمر خود را در مبارزه با استبداد پادشاهان ایران، عثمانی، مصر و سیاست استعماری انگلستان سپری کرد و پیوسته به شرق و غرب سفر می‌کرد. در پاریس روزنامه عروة الوثقی را منتشر کرد و به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. وی در سال ۱۳۱۴ هجری قمری در استانبول مسموم شد.

اسماعیل (شاه اسماعیل): (درگذشت ۹۳۰ ه.ق) پادشاه جوان و مؤسس سلسله صفویه است. گذشته از شجاعت و جوانمردی، وحدت سیاسی ایران را از نظر ترویج مذهب شیعه عملی کرد. وی می‌خواست در سراسر کشور نفوذ بیگانگان را براندازد و دولتی مستقل از دیگر دولت‌های اسلامی تشکیل دهد. دوره حکومت شاه اسماعیل، پس از ۲۴ سال تلاش و کوشش به پایان رسید.

اقبال لاهوری: محمد اقبال لاهوری (۱۳۱۶-۱۲۵۰ ه.ش) متفکر انقلابی و شاعر آزاداندیش پاکستانی است. وی علاقه و ارادت ویژه‌ای به «مثنوی مولوی» داشت و به دو زبان فارسی و اردو شعر می‌سرود. اقبال در استقلال پاکستان نقش مهمی داشته است. کلیات اشعار فارسی اقبال در ایران نیز بارها به چاپ رسیده است.

امیر کبیر، میرزاتقی‌خان: (مقتول به سال ۱۲۶۸ ه.ق) وی از بزرگ‌ترین مردان سیاسی دوره قاجاریه است. پدرش آشپز قائم‌مقام بود و

میرزاتقی‌خان نیز در خاندان قائم‌مقام تربیت یافت و در جوانی وارد دستگاه ولیعهد تبریز شد. پس از چندی سرپرستی ولیعهد به او سپرده شد. در تهران به صدراعظمی ناصرالدین شاه رسید. با اصلاحاتی که انجام داد، مخالفان او از پای نشستند تا شاه را به برکناری او و تبعید وی به کاشان و صدور حکم قتل او وادار کردند.

امین پور، قیصر: (۱۳۸۶-۱۳۳۸ ه.ش) استاد دانشگاه و شاعر معاصر، وی از شاعران موفق پس از انقلاب به‌شمار می‌آید. از آثار او می‌توان «در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌ها ناگهان» را نام برد.

ایرج میرزا: وی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. تحصیلاتش در مدرسه دارالفنون تبریز صورت گرفت. ابتدا شاعر دربار قاجاریه بود اما به زودی از شاعری دربار کناره گرفت. شعر ایرج ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است و مسائل مختلف اجتماعی را با زبانی ساده و شوخی‌های نیشدار بیان می‌کند.

ب

باکری، مهدی: شهید مهدی باکری در سال ۱۳۳۳ شمسی در میاندوآب به دنیا آمد. او و دوستانش نقش مهمی در برپایی تظاهرات شهر تبریز در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ داشتند.

ت

تاگور، رابیند رانات: شاعر و عارف پرآوازه هندی که اشعار وی سرشار از مفاهیم عرفانی و حسّ میهن دوستی است. تاگور جایزه ادبی نوبل را نیز دریافت کرد. وی در سال ۱۹۴۱ میلادی درگذشت.

ج

جامی، نورالدین عبدالرحمن: نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده معروف ایرانی در قرن نهم هجری است. وی به مناسبت محلّ تولّد خویش «جام» و نیز به سبب دوستداری شیخ الاسلام احمد جام، جامی تخلص کرد. دیوان اشعار، هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید خمسه نظامی)، نَفحات الانس و بهارستان از آثار اوست.

جنید: (حدود قرن دوم و سوم قمری) ابوالقاسم بن محمد بن جنید، عارف معروف و عالم دینی، وی در بغداد به دنیا آمد و از کسانی است که درباره علم توحید در بغداد سخن گفته است.

ح

حافظ: خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی، معروف به لسان الغیب، بزرگترین غزل سرای تاریخ ادبیات ایران است. وی در اوایل قرن هشتم در شیراز متولد شد و در

همان زمان وی توسط ساواک شناسایی شد و بارها برای بازجویی به اداره امنیت برده شد اما چون مدرکی علیه او نداشتند، تحت نظر آزاد شد. در دوران دفاع مقدس، فرمانده لشکر عاشورا بود. دلاوری‌ها و شجاعت او زبانزد خاصّ و عام است. وی در ۲۵ اسفند سال ۱۳۶۳، یک سال بعد از شهادت برادرش حمید باکری، در عملیات خیبر به شهادت رسید.

بهلول: (وفات ۱۹۰ ه.ق) از اشخاص دانا و آگاه معاصر هارون الرشید، خلیفه عباسی، بود؛ وی نسبت به مسائل اجتماعی زمان خود دیدی انتقادی و طنزآمیز داشت.

بیدل دهلوی، عبدالقادر: (درگذشت ۱۱۳۳ ه.ق) از شاعران بلند پایه ادب فارسی، هم‌روزگار صفویه بود. وی در هندوستان به دنیا آمد و همان‌جا پرورش یافت. بیشتر عمر خود را در تفکرات عرفانی و خلق آثار فراوان سپری کرد.

پ

پاینده، ابوالقاسم: (۱۳۶۳-۱۲۹۲ ه.ش) از نویسندگان چیره دست معاصر که در داستان‌نویسی و ترجمه، آثار گوناگونی پدید آورده است. مهم‌ترین اثر او ترجمه «قرآن مجید» است.

همان‌جا به تحصیل علوم و مطالعه قوانین ادب و دیوان شاعران پرداخت و چون قرآن را از بر داشت، «حافظ» تخلص نمود.

حَبَله رودی (محمد): از نویسندگان بزرگ قرن یازدهم هجری است و اثر معروف «جامع التَّمثیل» از اوست.

حسن زاده آملی: استاد علامه حسن حسن زاده آملی، از عالمان برجسته جهان اسلام است که در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در یکی از روستاهای لاریجان آمل به دنیا آمد. وی پس از طی مراحل تحصیل و کسب علوم دینی و معارف اسلامی و فضایل علمی و معنوی، به مدارج عالی در ریاضیات و نجوم نیز دست یافت.

حسن زاده، فرهاد: وی در سال ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد و اکنون در تهران ساکن است. در هفته‌نامه «دوچرخه» (ضمیمه نوجوان روزنامه همشهری) مسئول صفحه‌های ادبیات و طنز و از اعضای هیئت مؤسس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است.

حکیمی، محمود: حکیمی از جمله نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر خود را وقف پژوهش و مطالعه در حوزه معارف اهل بیت علیهم‌السلام کرده است. از آثار او می‌توان به: «زندگانی حضرت زینب علیها‌السلام»، «سیرت و شخصیت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، «زندگانی حضرت امام حسین علیه‌السلام»، «داستان‌های آموزنده برای کودکان»، «آموزش کودکان نابینا» و «حس

ششم» اشاره کرد. همچنین در حوزه داستان، «وجدان»، «به سوی ساحل» و «پیام آور محبت» از آثار اوست.

خ

خلیل (حضرت ابراهیم علیه‌السلام): از پیامبران الهی است که مردم را به خدای یگانه دعوت کرد و خانه کعبه را به دست خویش ساخت. وی به فرمان نمرود به آتش افکنده شد ولی آتش به امر الهی بر او سرد شد و وی سالم ماند.

ر

رضایی‌نیا، عبدالرضا: (متولد ۱۳۴۳ ه. ش) از نویسندگان، شاعران و مترجمان معاصر است. برخی از آثار او عبارت‌اند از «نقد شعر معاصران»، «فرشته بفرستید»، «از حنجره‌های شرقی».

س

سبزواری، حمید: (متولد ۱۳۱۴ ه. ش)، حسین ممتحنی متخلص به حمید سبزواری. از شاعران خوش‌نام انقلاب که بیشتر سروده‌های او مربوط به فضای انقلاب است. از آثار او می‌توان به «سرود سپیده» و «سرود درد» اشاره کرد.

سعدی، شیخ مصلح‌الدین: (درگذشت حدود ۶۹۱ ه. ق) از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایران است. آموزش‌های مقدماتی

را در زادگاه خود شیراز فراگرفت. برای اتمام تحصیلات به بغداد - از مراکز بزرگ علمی عصر خود - رفت. پس از ۳۵ سال به شیراز برگشت. بوستان به شعر و گلستان به نثر همراه با شعر و دیوان اشعار از او بر جای مانده است. مجموعه این آثار «کلیات سعدی» نامیده می‌شود.

سلیمان: سلیمان عليه السلام پسر داود عليه السلام و جانشین وی بوده است و در اسلام از انبیای بنی اسرائیل به شمار می‌آید. عقل و هوشمندی وی مشهور و زبانزد عموم است.

سنایی: شاعر و عارف بزرگ قرن ششم هجری. وی در ابتدا شاعری مدیحه‌سرا بود اما پس از مدتی به سرودن اشعار عرفانی و اخلاقی روی آورد. «کارنامه بلخ» و «حدیقه الحقیقه» از آثار اوست.

سینا، ابوعلی: (۴۲۸-۳۷۰ هـ.ق) از دانشمندان بنام قرن چهارم و پنجم است. در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از حفظ داشت. در جوانی پادشاه سامانی - نوح بن منصور - را معالجه کرد و از کتابخانه گران بهای او بهره‌ها برد. در سفری در همدان در راه بیمار شد و در آن شهر درگذشت. از آثار او می‌توان به کتاب‌های شفا و قانون و نیز دانشنامه علایی اشاره کرد.

ش

شیرازی، میرزا: (درگذشت ۱۳۱۲ هـ.ق) از علمای عالی‌قدر شیعه، مرجع بزرگ تقلید،

بنیان‌گذار مکتب سامرا و مبارز نستوه، در شیراز به دنیا آمد و برای تحصیل به اصفهان رفت. سپس به عتبات عالیات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تحصیل پرداخت. او در زمان ناصرالدین شاه قاجار برای مبارزه با استعمار انگلیس، با فتوای مدبرانه خود، مصرف تنباکو را تحریم کرد. مدتی در سامرا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۱۲ هجری قمری بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

ص

صائب تبریزی، میرزا محمدعلی: (۱۰۸۶-۱۰۱۶ هـ.ق) وی در اصفهان دیده به جهان گشود. پدر صائب از بازرگانان شهر تبریز بود که برای تجارت به اصفهان مهاجرت کرده بود. صائب در اصفهان به تحصیل علم و کمالات به‌ویژه خط و شعر و ادب و فضیلت پرداخت. در روزگار جوانی به مشهد و مکه هم سفر کرد. سپس به هند رفت و با شاعران بزرگ آن دیار آشنا شد. پس از هفت سال به میهن بازگشت و به حضور شاه عباس دوم صفوی در اصفهان رسید و عنوان «ملک الشعرا» یافت. صائب از پرکارترین شاعران روزگار خویش است. اشعار او عموماً غزل، مثنوی و قصیده است.

ع

عباس علیه السلام: از فرزندان حضرت علی علیه السلام که پرچم‌دار سپاه امام حسین علیه السلام بود. وی به «ابوالفضل» و «قمر بنی هاشم» معروف است. در سال ۶۱ هـ.ق در واقعه کربلا به شهادت رسید و مزارش در کربلا امروزه زیارتگاه مشتاقان است.

ف

فدایی مازندرانی، میرزا محمود: (حدود ۱۲۸۰-۱۲۰۰ هـ.ق) از شاعران و مرثیه‌سرایان بزرگ عاشورایی در عصر قاجار است که در منطقه دودانگه شهر ساری می‌زیست و واقعه کربلا را بر پایه اسناد معتبر تاریخی به نظم درآورده است. بخش نخست دیوان شعر او (مقتل منظوم) در قالب ترکیب‌بند سروده شده است که حدود ۴۲۰۰ بیت دارد. بخش دوم نزدیک به سه هزار بیت است که در قالب‌های گوناگون به بیان مفاهیم ادبیات عاشورایی پرداخته است. شعر «یاد حسین علیه السلام» گزینشی از قصیده‌ای بلند و شکوهمند است که از طولانی‌ترین قصاید استوار عاشورایی به شمار می‌آید. هنر شاعری فدایی در تصویرآفرینی‌های بدیع عاشورایی است. کلیات سروده‌های عاشورایی وی با عنوان «مقتل منظوم فدایی» اولین بار در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است.

فردوسی: ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ حماسه‌سرای ایران، در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می‌زیست. اثر عظیم او شاهنامه است که بیش از سی سال برای سرودن آن رنج برد.

ق

قائمی شیرازی: (حدود ۱۲۷۰-۱۲۲۲ هـ.ق) میرزا حبیب‌الله شیرازی متخلص به «قائمی» از شاعران دوره قاجار است. هنر او در قصیده‌سرایی و انتخاب واژگان خوش‌آهنگ و توصیف‌های نیکو است. وی کتاب «پیشان» را به شیوه گلستان سعدی نوشت. آرامگاه او در جوار حضرت عبدالعظیم علیه السلام شهر ری است.

قائم مقام فراهانی: ادیب، منشی و شاعر دوره قاجار؛ وی در نظم و نثر فارسی تبحر داشت و «ثنایی» تخلص می‌کرد. کوشش‌های بسیار وی برای اصلاح ایران موجب حسادت عده‌ای از جمله میرزا آقاسی شد و بدگویی بدخواهان شاه قاجار (محمدشاه) را برانگیخت تا او را به باغ نگارستان تهران احضار کرد و وی را در آنجا خفه کردند.

قشیری، ابوالقاسم: یکی از عارفان معروف قرن پنجم هجری که کتاب «رساله قشیریّه» در شرح اصطلاحات و معرفی مشایخ عرفانی از آثار اوست.

ک

کمال‌الدین، بهزاد: نقّاش و مینیاتورساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی؛ لقب وی کمال‌الدین و از مردم هرات و شاگرد سید احمد تبریزی بود. شاه طهماسب اول نزد بهزاد نقّاشی می‌آموخته است.

کمال‌الملک: از نقّاشان بزرگ معاصر که در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی وفات یافت. از آثار معروف او، تابلوی «فالگیر بغدادی» و «میدان کربلا» را می‌توان نام برد.

م

محمود درویش: (۱۹۴۲-۲۰۰۸ م) از بزرگ‌ترین شاعران معاصر عرب است که شعر او با انقلاب، مبارزه و پایداری پیوندی آشکار دارد. عشق به سرزمین فلسطین و استقلال آن از درون مایه‌های اصلی شعر او است.

مستوره کردستانی: (۱۲۶۴-۱۲۲۰ ه.ق) «ماه شرف خانم» فرزند ابوالحسن مستوره کردستانی، متولد ۱۲۲۰ قمری در شهر سنندج، شاعری است که به دو زبان فارسی و کُردی شعر سروده است. او را نخستین زن تاریخ‌نویس کُرد در ایران، شمرده‌اند. «دیوان شعر» و «تاریخ اردلان» از آثار اوست.

مطهری، مرتضی: (۱۳۵۸-۱۲۹۸ ه.ش) استاد شهید آیت‌الله مطهری در بهمن ماه

۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان خراسان به دنیا آمد. وی یکی از شاگردان برجسته امام خمینی (ره) بود که به مراتب علمی بالایی رسید. آثار او زمینه‌ساز بسیاری از مبانی فرهنگی و دینی انقلاب اسلامی است. این روحانی فرزانه در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به شهادت رسید. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: خدمات متقابل اسلام و ایران، داستان راستان (برای نوجوانان)، تماشاگاه راز، مسئله حجاب، پیرامون انقلاب اسلامی.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی: (۶۷۲-۶۰۲ ه.ق) از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است. آثار گراندقدر او عبارت‌اند از: مثنوی معنوی، دیوان شمس، فیه مافیه، مکتوبات و مجالس سبعه.

ن

نزار قبّانی: (۱۹۹۸-۱۹۲۳ م) از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان عرب، متولد شهر دمشق سوریه است. او به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی مسلط بود. سروده‌های او سرشار از عشق و عاطفه به انسانیت است. **نظامی:** شاعر نامدار ایرانی معروف به نظامی در شهر گنجه، از شهرهای امروزی جمهوری آذربایجان، به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل علوم اسلامی و فرهنگ و ادب، قصص و تاریخ همّت گماشت. داستان‌پردازی در منظومه‌های او به اوج رسید. آثار نظامی عبارت‌اند از:

مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه.

و

وحشی بافقی: کمال الدین وحشی بافقی در اواخر عهد شاه اسماعیل اول صفوی در قصبه بافق در ۲۴ فرسنگی یزد متولد شد. سپس به یزد آمد و بیشتر ایام زندگی را در آنجا گذراند. از آثار او می‌توان به مثنوی‌های «فرهاد و شیرین»، «ناظر و منظور» و «خُلدبرین» اشاره کرد.

وزیری، حسنعلی: (۱۳۳۳-۱۲۶۸ ه.ش) از اولین شاگردان کمال‌الملک است. وی برادر کوچک‌تر علینقی وزیری (موسیقی‌دان) بود و از بنیان‌گذاران دانشکده هنرهای زیبای تهران به‌شمار می‌رود. وزیری، شرح احوال استاد خود را در کتابی به‌نام «کمال‌الملک» تدوین کرده است.

ه

هاتف اصفهانی: سیداحمد (درگذشت ۱۱۹۸ ه.ق) از شاعران دوره افشاریه و زندیه است. در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد. «ترجیع‌بند» عرفانی وی نیز معروف است. **هراتی، سلمان:** سلمان قنبر هراتی (آذرباد) در سال ۱۳۳۸ ه.ش در روستای «مَزَرَدشت» تنکابن، در خانواده‌ای مذهبی پا به عرصه وجود نهاد. دوران ابتدایی را در روستا گذراند

و از همان ابتدای جوانی، به دلیل فقر مادی، به شاگردی پرداخت و با چوپانان محلی «گالش‌ها» به چوپانی می‌رفت و از همین رهگذر با ترانه‌های محلی آشنایی پیدا کرد. از سال ۱۳۵۲ به نوشتن روی آورد و سرودن شعر را آغاز کرد. فوق دیپلمش را در سال ۱۳۶۲ در رشته هنر گرفت و سپس به کار تدریس هنر در یکی از روستاهای تنکابن مشغول شد. سلمان با شعر ارزشی انقلاب، پیوندی ناگسستنی داشت؛ صمیمیت، سادگی و بی‌پیرایگی در اشعارش موج می‌زند. از سلمان هراتی، سه مجموعه با نام‌های «از این ستاره تا آن ستاره»، «از آسمان سبز» و «دری به خانه خورشید» به چاپ رسیده است. سلمان در ششم آبان ماه ۱۳۶۵ ه.ش در راه رفتن به مدرسه محل کار خود بر اثر تصادف، جان باخت. آرامگاه وی در حوالی شهر تنکابن واقع شده و بیت زیر بر سنگ مزارش نوشته شده است.

آه از پاییز سرد، ای کاش من
از تو باغی در بهاران داشتم



مؤلف آن خواجه رشیدالدین فضل‌الله است. وی در نوشتن این کتاب از اسناد و نوشته‌های دولتی و از نظرات دانشمندان معاصر خویش استفاده کرد و آن را تا سال ۷۱۰ هجری قمری به پایان رساند.

د

درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی: نوشته فریدون اکبری شلدره که در آن به سیر تاریخی ادبیات داستانی از روزگار مشروطه تا ۱۳۷۷ پرداخته شده است. محور اصلی کتاب، داستان‌نویسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

در جست‌وجوی خوش‌بختی: نوشته لرد آویبوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده است. این کتاب در هفده فصل نگاشته شده و نویسنده در آن به موضوعاتی مانند خوش‌بختی، امید، تربیت و ... پرداخته است.

ر

رساله قشیریّه: نوشته ابوالقاسم قشیری از عارفان قرن پنجم است. اصل این کتاب به زبان عربی است و یکی از شاگردان قشیری آن را به فارسی برگردانده است. موضوع این کتاب، معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آن‌هاست. این اثر با تصحیح و تعلیقات استاد فروزانفر به چاپ رسیده است.

اعلام: آثار

۱

از آسمان سبز: مجموعه شعری از «سلمان هراتی»، شاعر دوره انقلاب اسلامی

اسرار التوحید: کتابی است تألیف «محمد بن منور» در شرح حال و سخنان ابوسعید ابوالخیر. محمد بن منور، یکی از نوادگان ابوسعید است.

ب

بوستان سعدی (سعدی‌نامه): منظومه مثنوی سعدی شیرازی است. این منظومه به ده باب تقسیم شده است. بوستان سعدی منظومه‌ای است اخلاقی و اجتماعی و عرفانی. این کتاب تاکنون به زبان‌های مختلف از جمله لاتینی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

ج

جامع التواریخ: تاریخ مفصل جهان که

دفتر سروده شده است.

مجلهٔ رشد: مجموعهٔ مجلاتی است که هم‌سو با اهداف آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان ایران از سوی دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منتشر می‌شود. این نشریه در سه دورهٔ ابتدایی، اول و دوم دبیرستان در دسترس دانش‌آموزان و دبیران قرار می‌گیرد.

مُنشآت: منشآت، چ منشأ، به معنی نوشته شده‌ها و نامه‌هاست. مجموعهٔ نوشته‌ها و انشاهای قائم مقام فراهانی به این نام است. قائم مقام در نوشتن این اثر، از شیوهٔ گلستان سعدی پیروی کرده است.

ن

نهج البلاغه: گزیده‌ای از نامه‌ها و خطبه‌ها و سخنان و کلمات قصار امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام است که عالم بزرگوار شیعی، «سید رضی» آن را گردآورده است.

ه

هفده داستان کوتاه کوتاه: این کتاب ترجمهٔ سارا طهرانیان است که هفده داستان کوتاه از نویسندگان ناشناس جهان را در بردارد.

رُوح الارواح فی شرح السماء الملك

الفتاح: نوشتهٔ شهاب‌الدین احمد بن منصور سمعانی، از عارفان و نویسندگان قرن ششم، این کتاب، با نثر شیوا و ساده، به شرح و توضیح نام‌های خداوند پرداخته است.

س

سرگذشت شهید مهدی باکری: کتابی است نوشتهٔ حبیب یوسف‌زاده که به سرگذشت شهید مهدی باکری پرداخته است. شهید باکری از سرداران دلاور جنگ تحمیلی است. وی در میان‌دو آب متولد شد و در عملیات «بدر» به شهادت رسید.

گ

گلستان: کتابی است به فارسی آمیخته به نظم و نثر که در سال (۶۵۶ ه.ق) سعدی آن را نگاشته است. گلستان هشت باب دارد و اساس این کتاب بر بیان حکایت است و هدف آن تربیت انسان‌هاست.

م

مثنوی معنوی: کتاب منظوم و گران قدر مولوی، شامل حکایاتی است که مولانا با بیان آنها مسائل دینی و عرفانی و حقایق معنوی را به زبان ساده و از راه تمثیل بیان می‌کند. مثنوی، در ۲۶ هزار بیت و در شش

چ

چالدران: یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی است که جنگ معروف چالدران بین شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم، پادشاه عثمانی در این محل واقع شد.

خ

خراسان: خورآسان، شرق، هم‌اکنون سه استان کشور به این نام مشهورند: خراسان رضوی که مرکز آن مشهد مقدس است؛ خراسان شمالی که مرکز آن بجنورد و خراسان جنوبی که مرکز آن بیرجند است.

س

سبا: شهری در عربستان قدیم و ناحیهٔ یمن کنونی که ملکهٔ آن بلقیس نام داشته است.

ف

فرانسه: کشوری است در نیم کرهٔ شمالی و از کشورهای اروپای غربی است. فرانسه دارای حکومت جمهوری است و یکی از مراکز علم و ادب و هنر اروپا در قرون جدید به شمار می‌رود. پایتخت آن شهر پاریس است.

فراهان: یکی از شهرستان‌های استان مرکزی که در شمال شهر اراک واقع است و زادگاه قائم‌مقام فراهانی است.

فلسطین: کشوری مسلمان که بین رود اردن

اعلام: مکان‌ها

۱

استانبول: این واژه به معنی «به سوی شهر» است و نام شهر و بندری در ترکیه است. سابقاً پایتخت دولت عثمانی بود و اکنون یکی از شهرهای مشهور جهان است.

افغانستان: همسایهٔ شرقی ایران است. پایتخت آن شهر کابل است و قندهار و هرات از شهرهای مهم آن به شمار می‌آیند. مردم این سرزمین فارسی زبان و مسلمان‌اند.

ت

تهران: پایتخت ایران است که بین کوه‌های البرز و کویر مرکزی قرار گرفته است. تهران در دشتی هموار و مسطح قرار گرفته که شیب آن از شمال به جنوب است. در عصر قاجاریه پایتخت ایران شد. تهران از نظر عمران و عظمت سیاسی و اقتصادی یکی از شهرهای مهم خاورمیانه است.

و دریای مدیترانه واقع است. همچنین این کشور بین جمهوری لبنان، سوریه و بحرالمت قرار گرفته است. پس از جنگ جهانی دوم به یاری استعمارگران کشوری به نام اسرائیل در آن تشکیل گردید. شهر معتبر بیت المقدس که قبلاً قسمتی از آن در دست مسلمانان بود، در حال حاضر تمام آن در تصرف اسرائیل اشغالگر است.

م

مصر: کشور مصر در شمال شرقی آفریقا واقع است. آبادی و وجود جمعیت در خاک مصر در نتیجه وجود رود نیل است که خاک مصر را حاصل خیز و ثروتمند کرده است. حکومت مصر جمهوری و پایتخت آن شهر قاهره است.

ی

یَمَن: کشور کوچک مستقلی است در جنوب غربی شبه جزیره عربستان که پایتخت آن شهر «صنعا» است.

فهرست کتاب‌های مناسب



سال انتشار	ناشر	شاعر، نویسنده یا مترجم	نام کتاب	ردیف
۱۳۸۷	سوره مهر	محمد رضا سرشار (رهگذر)	آنجا که خانه‌ام نیست	۱
۱۳۸۳	مدرسه	محمد میرکیانی	افسانه چهار برادر	۲
۱۳۸۸	مدرسه	ابراهیم اصلانی	روان‌شناسی نوجوانی برای نوجوانان	۳
۱۳۸۳	پیدایش	سپیده خلیلی	بانوی سکه‌ها	۴
۱۳۸۵	مدرسه	حمید نوایی لواسانی	بچه‌های ایستگاه	۵
۱۳۷۵	سروش	قیصر امین پور	به قول پرستو	۶
۱۳۸۲	مدرسه	ابراهیم حسن بیگی	پرستوها	۷
۱۳۸۲	مدرسه	داریوش عابدی	پلی به سوی داستان نویسی	۸
۱۳۸۴	نشر افق	محمد رضا شمس	پهلوان پنبه (افسانه‌های ایرانی)	۹
۱۳۸۰	پيام آزادی	عباس صالح مدرسه‌ای	جایی که هیچ کس نیست	۱۰
۱۳۸۷	سوره مهر	محمد رضا سرشار (رهگذر)	جایزه	۱۱
۱۳۸۲	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	حسین معلم	حکایت‌نامه	۱۲
۱۳۸۰	فرهنگ گستر	مهدی الماسی	خدا با دوستان خود صمیمی است	۱۳
۱۳۸۴	قدیانی	علی موسوی گرمارودی	داستان پیامبران (۳ جلد)	۱۴
۱۳۸۹	کانون پرورش فکری	سعدالدین وراوینی، بازنویسی یوسف فام	داستان پیاده و سواره (گزیده مرزبان‌نامه)	۱۵
۱۳۸۱	مدرسه	سپیده خلیلی	داستان زندگی من (هلن کلر)	۱۶
۱۳۹۰	آفتاب عالم تاب	صائم کاشانی	دل هست اینجا کبوتر	۱۷
۱۳۸۵	مدرسه	قاسم علی فراست	روزهای برفی	۱۸
۱۳۶۸	شکوفه	فریدون عموزاده خلیلی	سفر به شهر سلیمان	۱۹
۱۳۸۷	مدرسه	محمدحسین بحرالعلومی	سفر و آموزش سفرنامه نویسی	۲۰
۱۳۸۵	فروزش	جک کنفیلد و مارک ویکتورهنس ترجمه: راستکار محمود زاده	سوپ جوجه برای روح	۲۱

سال انتشار	ناشر	شاعر، نویسنده یا مترجم	نام کتاب	ردیف
۱۳۷۸	توسعه کتاب ایران	امیرمهدی مرادحاصل	شکوفه بر شمشیر	۲۲
۱۳۸۶	مُعین	هوشنگ مرادی کرمانی	شما که غریبه نیستید	۲۳
۱۳۹۱	کتاب نشر	به اهتمام محمد جواد آسمان	صبح تان به خیر مردم (غزل‌های علیرضا قزوه)	۲۴
۱۳۸۲	چشمه	فریدون اکبری شلدره	طوطیان شیرین گفتار	۲۵
۱۳۶۱	حوزه هنری	فریدون عموزاده خلیلی	فریاد کوهستان	۲۶
۱۳۸۴	افق	به روایت آتوسا صالحی	قصه‌های شاهنامه فردوسی (به نثر)	۲۷
۱۳۸۰	قدیانی	حسین فتّاحی	قصه‌های دل‌نشین ادب پارسی (سمک عیار ۲ جلد)	۲۸
۱۳۸۶	پیام محراب	رضا شیرازی	قصه‌های مثنوی (۱ و ۲)	۲۹
۱۳۸۷	کتاب‌های شکوفه (امیرکبیر)	مهدی آذر یزدی	قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب	۳۰
۱۳۸۰	چوان	سید مهدی شجاعی	کشتی پهلو گرفته	۳۱
۱۳۸۹	پژوهشگاه علوم انسانی	سعید ناجی	کودک فیلسوف	۳۲
۱۳۸۳	کانون پرورش فکری	سپیده خلیلی	گم شده	۳۳
۱۳۷۸	نشر قو	حمید هنرجو	ماه بی‌گوشواره (شعر نوجوان)	۳۴
۱۳۹۱	مروارید	قیصر امین‌پور	مجموعه کامل اشعار	۳۵
۱۳۸۳	مدرسه	محمد رضا یوسفی	مسافر دریا	۳۶
۱۳۸۴	مدرسه	مصطفی رحماندوست	موسیقی باد	۳۷
۱۳۸۱	صابرین	عرفان نظرآهاری	نامه‌های خط خطی	۳۸
۱۳۸۹	منادی تربیت	محمدناصر مودودی	نقشه‌های حسن کچل	۳۹
۱۳۸۹	کانون پرورش فکری	فروغ شایگان	نوشتن خلاق	۴۰

فهرست منابع

- از بهار تا شهریار، حسنعلی محمدی، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ پنجم، س ۱۳۸۹.
- از صبا تا نیما. یحیی آراین پور، انتشارات زوآر، تهران، چاپ هفتم. س ۱۳۷۹.
- اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید (۲ جلد)، محمد بن منور، به تصحیح و اهتمام دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، علمی، ۱۳۶۸.
- امیر کبیر، فرهاد حسن زاده، انتشارات مدرسه، س ۱۳۸۵.
- امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار. اکبر هاشمی رفسنجانی، ناشر دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم س ۱۳۶۲.
- تذکرة الاولیا، عطار نیشابوری، تصحیح محمد استعلامی، انتشارات زوآر، تهران، س ۱۳۶۸.
- جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله، انتشارات دنیای کتاب، س ۱۳۷۴.
- حکایت زمستان، سعید عاکف، نشر ملک اعظم، مشهد، س ۱۳۹۱.
- خمسه نظامی گنجوی، تصحیح وحید دستگردی، امیر کبیر، تهران، س ۱۳۷۲.
- داستان هایی از زندگی امیر کبیر، محمود حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و هشتم، س ۱۳۷۱.
- درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، فریدون اکبری شلدره، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، س ۱۳۸۲.
- در جست و جوی خوش بختی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات ارمغان، چاپ اول، س ۱۳۶۹.
- دستور زبان فارسی، صادقی، علی اشرف و ارژنگ، غلامرضا، وزارت آموزش و پرورش، س ۱۳۶۳.
- دیوان ابرج میرزا، تصحیح محمد جعفر محبوب، چاپ زوآر، س ۱۳۵۳.
- دیوان حکیم قانی شیرازی، با تصحیح و مقدمه محمد جعفر محبوب، چاپ موسوی، س ۱۳۳۶.
- دیوان مستوره کردستانی، تصحیح احمد کرمی، انتشارات ماه، س ۱۳۶۲.
- دیوان وحشی بافقی، به کوشش حسین آذران، امیر کبیر، س ۱۳۸۰.
- دیوان وصال شیرازی، تصحیح و تنظیم محمود طاووسی، انتشارات نوید، ج ۱، س ۱۳۷۸.

- رساله قشیریه، (ترجمه فارسی) ابوالقاسم قشیری، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، س ۱۳۶۱.
- زوج الارواح، شهاب‌الدین احمد بن منصور سمعانی، به کوشش نجیب مایل هروی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، س ۱۳۹۰.
- زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی، به کوشش سیدعلی موسوی گرماردی، ۲ جلد، انتشارات قدیانی، چاپ اول، س ۱۳۸۴.
- سرگذشت شهید مهدی باکری، حبیب یوسف‌زاده، انتشارات مدرسه، س ۱۳۸۶.
- سرود سپیده (دیوان اشعار حمید سبزواری)، جلد دوم، با مقدمه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و استاد آیینه‌وند، انتشارات کیهان، چاپ اول، بهار ۱۳۶۸.
- فرزند ایران، میرجلال‌الدین، کزازی، نشر معین، تهران، چاپ اول، س ۱۳۹۱.
- کلیات فارسی اقبال لاهوری، به اهتمام احمد سروش، انتشارات سنایی، س ۱۳۶۸.
- گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر هفتم، به کوشش حسن قریبی، زمستان ۱۳۸۶.
- گلستان سعدی، به کوشش غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران، چاپ چهارم، س ۱۳۷۴.
- گنجینه (برگزیده متون کهن مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما) شماره ۳۳، آذر س ۱۳۸۲.
- گنجینه سخن (منتخب آثار نویسندگان پارسی‌گوی)، ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، س ۱۳۶۳.
- مجموعه کامل اشعار، قیصرامین پور، انتشارات مروارید، چاپ نهم، س ۱۳۹۱.
- مقتل منظوم، فدایی مازندرانی، تحقیق، تصحیح و تعلیقات فریدون اکبری سلدره، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ دوم، س ۱۳۸۹.
- منشآت قائم مقام فراهانی، تصحیح جهانگیر قائم‌مقامی، انتشارات ابن‌سینا، تهران، س ۱۳۳۷.
- هزار و یک حکایت، محمود حکیمی، انتشارات قلم، س ۱۳۷۵.
- هفده داستان کوتاه از نویسندگان ناشناس، ترجمه سارا طهرانیان، چاپ [نشر] کتاب خورشید، س ۱۳۸۱.
- یک عالم پروانه (بانک اطلاعات شعر کودک و نوجوان)، دفتر انتشارات کمک آموزشی، س ۱۳۸۱.

